



فصل فرهنگی
حجت‌الاسلام والمسلمین حسین آبراهیمی

تا دستت می‌رسد، کاری بکن!

در روز پایانی محرم امام‌حسین^(ع) قرار داریم؛ ماهی که گاهی افراد، یک سال شروع شدنش را انتظار می‌کشند. ماهی که برای همه ما ایرانی‌ها خاطره‌انگیز است و شأن و قدرش، محدود به یک ماه نیست که در هر خانه و حسینیه‌ای را نگاه کنی، ردی از آن می‌بینی. یکی برای روضه‌اش، استکان و نعلبکی همیشگی‌اش را آماده می‌کند، یکی کتیبه و پرچم و دیگری علم و دیگ و سه‌پایه را؛ ندزی‌ها و موقوفاتی که براساس این ماه شکل گرفته است و گاهی در خانه‌اهل حسینیه یا بزرگ محله یا در مساجد نگهداری می‌شود. بالاخره هرفردی به سهم خودش، رنگی از عزای حسینی دارد. اگر هنوز دنبال فرصتی برای روضه گرفتن و روضه رفتن هستی، ماه صفر در پیش است. بله، هنوز برای کسانی که می‌خواهند از فرصت مجالس عزاداری استفاده کنند یا خودشان برپا کننده مجالس روضه باشند، ماه صفر باقی است. فراموش نکنید در وصیت علمای بزرگ ما آمده است که یکی از اسباب گشایش امور، همین روضه‌ها و مجالسی است که برای یاد کردن مصائب اهل بیت^(ع) و بازخوانی معارف دینی برپا می‌شود. امام‌صادق^(ع)

نیز در حدیثی فرموده‌اند: من این مجالس را دوست دارم.

اگر ائمه اطهار^(ع) الگو و سرمشق ما باشند، باید ببینیم که این افراد چه چیزهایی را دوست داشتند و از چه چیزهایی دوری می‌کردند. پس باید قدر این مجالس نورانی را دانست و در این ایام از فضای ماه‌های عزاداری بهره برد. اگر نمی‌توانید خودتان یک روضه برپا کنید، می‌توانید مثلاً مسئولیت قند کنار چای روضه همسایه‌تان را به‌عهده بگیرید یا در روضه دیگران خدمت کنید. با هرکار کوچکی می‌شود در برپایی و زنده نگه‌داشتن معرفت امام‌حسین^(ع) مؤثر بود. با پوشیدن لباس مشکی، با خوردن یک استکان چای روضه در موبک‌ها و با شرکت در روضه‌ها. پس نگوییم ما چون توان مالی کافی برای برگزاری مراسم را نداریم، هیچ کاری هم نمی‌کنیم بلکه هرجایی باشیم، می‌توانیم اثرگذار باشیم.

اما با تمام شدن ماه محرم، وارد ماه صفر می‌شویم. ماه صفر شاید تنها ماه قمری باشد که به نحس بودن مشهور است. محرم آخرین ماه حرام است. پس طبق رسم اعراب جاهلی، دوباره جنگ و ستیزه و خونریزی در ماه صفر از سر گرفته می‌شد و بالاتر از آن همچنان که ماه ربیع‌الاول صرفاً به‌دلیل قرار گرفتن ولادت بزرگ‌ترین شخصیت عالم هستی در آن، ربیع‌المولود نامیده می‌شود و حلول و وارد شدن آن جشن گرفته و تبریک گفته می‌شود، آغاز ماه صفر باید با یک غم مضاعف همراه باشد که در زیارت‌نامه پیامبر خدا^(ص) آمده است: «أَصْبَحْنَا بِكَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِنَا فَمَا أَكْظَمَ الْمُصِيبَةَ بِكَ حَيْثُ انْقَطَعَ عَنَّا الْوَحْيُ وَ حَيْثُ فَقَدْنَاكَ فَإِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» ای محبوب دل‌های ما، ما به‌خاطر تو سوگواریم و چه بزرگ است سوگواری بر تو، از آن‌رو که وحی از ما بریده است و هم از آن‌رو که به فقدان تو دچار آمده‌ایم؛ چه ما از خداییم و به‌سوی او بازمی‌گردیم.

پیامبر مهربانی‌ها در این ماه، پیروان خود را به‌سوی خدای متعال ترک می‌کنند و عالم را با اندوه فقدان خود تنها می‌گذارند. امیرالمؤمنین^(ع) نیز در جملات معروفی، پیکر پاک پیغمبر اکرم^(ص) را مخاطب قرار می‌دهند و می‌گویند: «يَا بِي أَنتَ وَ أَهْلِي يَا رَسُولَ اللَّهِ... لَقَدْ انْقَطَعَ بِمَوْتِكَ مَا لَمْ يَنْقُطْ بِمَوْتِ غَيْرِكَ مِنَ الْبُوءَةِ وَ الْكُتْبَاءِ وَ أَحْجَارِ السَّمَاءِ» پدر و مادرم فدایت باد ای رسول خدا!! ما مرگ تو چیزی قطع شد که با مرگ دیگری، قطع نشد و آن نبوت و پیام آوردن از سوی خدا و اخبار آسمان بود.

پس همچنان که همیشه گفته می‌شود، زمان‌ها و ایام به‌خودی‌خود نحس نیستند، بلکه آنچه در ظرف آن‌ها محقق می‌شود، می‌تواند موجب پلیدی و نحوست آن‌ها شود که نحس‌ترین اتفاق ممکن در ماه صفر با رحلت محبوب‌ترین انسان در پیشگاه الهی، به وقوع پیوسته است؛ به همین دلیل از دست‌و‌و‌های مهم در زمان اتمام ماه محرم و شروع ماه صفر، صدقه دادن است که‌بی‌شک موجب دفع بلاست و نیز دعا‌های خاصی که برای دفع نحوست ماه صفر خوانده می‌شود.

از خداوند بزرگ می‌خواهیم که انجام اعمال نیک و تبعیت از دست‌و‌و‌های اهل بیت^(ع) را که بزرگ‌ترین و مبارک‌ترین موهبت در زندگی هر فرد است، در این ایام روزی ما کند.

بردار بخوان

تاریخی عاشقانه

«پس از بیست سال،مائی عاشقانه است اما فقط این نیست. سلمان کدیور، نویسنده کتاب، داستان را از واقعه کربلا شروع می‌کند: «بغضش را فروخورد و ادامه داد: کوفیان با حسین معامله‌ای کردند که پیش از این با برادر و پدرش کرده بودند... می‌بینی سلیم؟ تاریخ انگار به تکرار نشسته است. نه راحیل، تاریخ تکرار نمی‌شود، بلکه این مردان تکراری‌اند که بدون عبرت، رفتار گذشتگان را دربرابر آزمون‌های روزگار تکرار می‌کنند.»

و باز به ۲۰سال قبل، زمان خلیفه سوم و حکومت معاویه در شام برمی‌گردد. کدیور در رمان عاشقانه‌اش، تاریخ را روایتگری و این موضوع را بررسی می‌کند که چرا حسین^(ع) را کشتند.

«پس از بیست سال»، رمانی هفتصدصفحه‌ای است که «شهرستان ادب، در سال ۱۳۹۷ منتشر کرده است.

کتاب، بسیار روان و جذاب نوشته شده است و خواننده را با خودش همراه می‌کند. روایت، روایت فردی به نام سلیم‌بن‌هشام است. سلیم، پسر فرمانده سپاه‌شام است و عاشق دختر یکی از علمای دینی شام می‌شود. قصه، قصه دوراهی پیچیده و سخت عالم است، دوراهی عقل و عشق.

دوراهی که آیا نیناداری کنی یا آخرت را آباد کنی؟

دوراهی که به شهادت می‌رسد یا شقاوت.

وقتی می‌شنویم بعد از شهادت امیرالمؤمنین، علی^(ع)، برخی گفتند مگر علی نماز می‌خواند، از تعجب چشم‌هایمان گرد می‌شود که چه اتفاقی افتاد و چه تبلیغاتی علیه امام شد که مردم به این باور رسیدند.

«همان‌طور که کنجکاوانه درودیوار و مردمان شهر را نظاره می‌کرد، از مرد خرمافروشی سراغ کاخ علی^(ع) را گرفت! مرد متعجب به غریبه نگاه کرد و گفت: «-کاخ علی؟، -آری. او را در کدام یک از عمارت‌های کوفه می‌توان یافت؟، -از کدام دیار می‌ایی؟، -از راهی دور، مرد خندید و گفت: «همین مسیر را ادامه بده، به مسجد بزرگ شهر می‌رسی. آنجا کاخ علی است.»

و دوباره خندید.»

در این کتاب به این سؤال پاسخ

داده شده و از مکر معاویه در زمان

حکمرانی‌اش در شام، روایت کرده است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

«معاویه به‌سوی تختش بازگشت

و دوباره به پیراهن خنوبن عثمان

نگریست. «این پیراهن، چشم‌مراچنان

روشنی داد که پیراهن یوسف، چشم

یعقوب را نداد... قهقهه‌ای زد، عمرو

نزدیک آمد و گفت: «نه امیر... نه... این

پیرهن همان خاک پای جبرئیل است

که سامری در خمیر گوساله طلایش

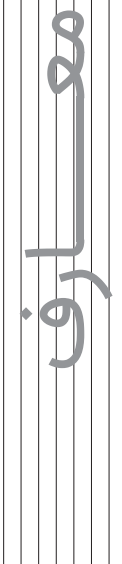
ریخت تا آن را به صدا درآورد و مردم

را به پرستشش وادارد، دوباره قهقهه

معاویه در قصر پیچید.»



شهر
اخبار
SHAHIRANNEWS.IR
۴شنبه
۲۵ مرداد ۱۴۰۲
شماره ۴۹
۴۹۵
۴۰۱۳



معنای ریاکاری

ریا از ریشه «رأی» مشتق شده است و به این معناست که شخص، کاری را با انگیزه جلب توجه مردم انجام دهد. این واژه به معنای تظاهر و نشان دادن به غیر نیز استفاده می‌شود. خودمانی این حرف، می‌شود اینکه ما کاری را برای اینکه مردم ببینند و تحسینمان کنند انجام دهیم، درحالی‌که عمل خیر و همچنین عبادات ما فقط باید برای رضای خدا انجام شود و لاغیر. با این تعریف، ریا هم اعمال عبادی مانند نماز و هم امور غیرعبادی مانند انفاق را دربر می‌گیرد. قرآن کریم در چند آیه به موضوع ریا و ریاکاران اشاره کرده است. قرآن، ریاکاران را جزو منافقان معرفی کرده است که با خدا نیرنگ می‌کنند و درحالی‌که در عباداتشان سست هستند، در مقابل مردم تظاهر و خودنمایی می‌کنند. در این زمینه در آیه ۱۴۲ سوره نسا می‌خوانیم: «همانا منافقان با خدا مکر و حيله می‌کنند و خدا نیز با آنان مکر می‌کند و چون به نماز

نشانه‌های انسان ریاکار

برای انسان ریاکار در آیات و روایات، نشانه‌هایی ذکر شده است. در این زمینه امام‌علی^(ع) فرموده‌اند: «ریاکار را سه نشانه است: هرگاه مردم را ببیند، به نشاط می‌آید. هرگاه تنهاست، بی‌حال و تبیل است و همچنین دوست دارد در همه کارهایش، او را ستایش کنند»، (اصول کافی: ج ۲، ص۲۹۵). خودنمایی، دیگر ویژگی‌ای است که برای ریاکار بسیار ذکر شده است. در این زمینه در آیه‌های ۵ و ۶ سوره ماعون می‌خوانیم: «وای بر نمازگزارانی که از یاد خدا غافل هستند! آنان که در عبادت، جز ریا و خودنمایی، انگیزه‌ای ندارند». خودنمایی آفتی است که در عمل وجود دارد و قرآن کریم آن را از صفات منافقان برشمرده است و در این باره

یکی از آسیب‌های اخلاقی که ممکن است گرفتار آن شوید

ریاکار ، محروم از محبت خدا

حمید ذاکری ا هروقت حرف از گناهان کبیره می‌شود، ما تصور می‌کنیم این گناهان از ما دور هستند و این قبیل حرف‌ها شامل حال ما نمی‌شود. با این حال لازم است این گناهان را به‌خوبی بشناسیم و راه‌های دوری از آن‌ها را بدانیم. یکی از صفات بد اخلاقی که در دسته گناهان کبیره هم جای می‌گیرد، ریاست، عملی که گاه تشخیص آن دشوار است و هیچ بعید نیست که هرکدام ما در طول عمر در مقطعی گرفتارش شویم. ریا به معنای ظاهرسازی و تظاهر به عمل نیک است. بدون آنکه شخص واقعاً قصد انجام عمل را داشته باشد. ریا در عبادت به این معناست که عبادت برای غیرخدا و به قصد خودنمایی انجام شود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم، ریا عملی حرام و باعث باطل شدن فعل انسان است. در ادامه، به نشانه‌های ریا در افراد و همچنین نتایج آن در اعمال می‌پردازیم.

آیند، با حال بی‌میلی و کسالت، نماز کنند و برای ریاکاری آیند و ذکر خدا را جز اندک نگویند.

در آیه ۴۷ سوره انفال می‌فرماید: «مثل کسانی نباشید که از روی سرمستی و خودنمایی و غرور و ریا دربرابر مردم، از خانه‌های خود(به‌سوی جبهه) خارج شدند و مردم را از راه خدا بازمی‌داشتند و حال آنکه خداوند، به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد، یکی از نشانه‌های ریا، منت‌گذاری است. اگر انسان کاری را انجام دهد و به‌واسطه آن بر دیگران منت بگذارد، ثواب عمل او از بین می‌رود. قرآن مجید در آیه ۲۶۴ سوره بقره می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صداقت خود را با منت‌گذاشتن و ادیت‌کردن، باطل نسازید، کارشناسان باتوجه‌به آیات و روایات، مجموعه‌ای از نشانه‌ها را برای افراد ریاکار برشمرده‌اند که در ادامه می‌خوانیم:

❖ افراد منافق دارای دوجهره هستند.

❖ در انظار مردم با نشاط و شوق عبادت می‌کنند. در تنهایی، بی‌نشاط و بی‌حال‌اند.

❖ دوست دارند مردم در تمام کارها آن‌ها را بستانند.

❖ هنگامی که آن‌ها را ستایش کنند، بر عمل خود می‌افزایند.

❖ چنانچه مدح و تئاشان نکنند، از عمل می‌کاهند.

❖ اهل خدعه و فریب‌اند.

❖ اعمال نیک خود را به رخ دیگران می‌کشند.

❖ بر دیگران منت می‌نهند.

❖ چشم طمع بر خلق دوخته‌اند و بر خدا توکل ندارند.

❖ در ظاهر ذکر خدا می‌گویند، ولی در دل، کمتر خدای را یاد می‌کنند.

❖ خودپسند و مغرورند.

❖ تن‌پرور و رفاه طلب‌اند.

قلب‌های مردم محبوب می‌کند ولی عزت و اعتبار تنها در قدرت خداوند است.

خداوند در قرآن کریم وعده داده است که ریاکاران را رسوا می‌کند و اعمال‌شان نزد مردم برملا می‌شود.

باتوجه‌به سیره ائمه^(ع) تا می‌توانیم، اعمال و کارهای نیک را پنهانی و در خفا انجام دهیم.

در پایان خوب است بدانیم که افراط و تفریط در هیچ امری جایز نیست. برای دوری از ریا نیز ما نباید دچار افراط شویم و به‌طور مثال از شرکت در اعمال عبادی جمعی، دوری کنیم، بلکه لازم است به‌دنبال اخلاص در عمل باشیم و تا می‌توانیم، اعمال خود را وابسته به تأیید و تشویق‌های بیرونی نسازیم. علمای اخلاق در این زمینه، بحث‌های روشنگرانه‌ای را مطرح کرده‌اند، ازجمله، مرحوم فیض کاشانی در «محجه‌البیضاء» سؤالی به این صورت طرح می‌کند: «اگر عالم و واعظ بخواهد بداند در وعظ خود، صادق و مخلص است و ریاکار نیست، از کجا بداند؟» سپس به این سؤال پاسخ داده، می‌گوید: «این امر نشانه‌هایی دارد، ازجمله اینکه اگر واعظی بهتر از او و آگاه‌تر و مقبول‌تر درمیان مردم پیدا شود، خوشحال گردد و حسد او را به دل نگیرد. آری! مانعی ندارد که در مقام غیبه برآید و آرزو کند که او مانند آن عالم و واعظ گردد(یا از او بهتر). نشانه دیگر اینکه اگر بزرگان و شخصیت‌ها در مجلس او حضور یابند، سخنانش تغییر نکند و همه مردم را به یک چشم نگاه کند(و به‌خاطر جلب توجه آن عالم و اظهار فضل و کمال در پیشگاه او، در سخنانش تغییری حاصل نشود). نشانه دیگر اینکه اگر گروهی از مستمعین، پشت‌سر او در کوچه و بازار به‌راه بیفتند، خوشحال نباشد.»

آثار و نتایج ریا

بنا بر آیات و روایات، برخی پیامدهای ریاکاری چنین است:

از بین رفتن عمل

همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم، اخلاص، شرط

صحت عبادت است و ریا در آن، حرام و موجب بطلان عمل است. در این زمینه امام‌صادق^(ع) فرموده‌اند: «تمام کارهای نیک مورد قبول خداست، جز عملی که از روی ریا باشد». (تحف‌العقول: ص ۲۲۳). ریا علاوه‌بر آنکه عمل را فاسد می‌کند، خود نیز از گناهان بزرگ است، زیرا ریا به‌منزله شرک است و شرک از گناهان کبیره محسوب می‌شود.

واگذاری به مردم

از امام‌صادق^(ع) روایت شده است: «هرگونه ریایی، شرک است. هرکه برای مردم کار کند، پاداشش به‌عهده مردم است و هرکه برای خدا کار کند، ثوابش برای خداست». در این‌باره‌محمدبن‌عرفه می‌گوید: امام‌رضا^(ع) به‌من‌فرمود: «وای بر تو ای پسر عرفه! کارها را به‌منظور خودنمایی و شهرت انجام ندهید، زیرا هرکه برای غیر خدا کار کند، خدا او را به کاری که انجام داده است، وامی‌گذارد...» (اصول کافی، ص ۲۹۴، حدیث ۵).

محرومیت از محبت خدا

یکی دیگر از آثار و نتایج ریا که برای انسان گران‌تمام می‌شود، محرومیت از محبت خداوند است. در این زمینه در قرآن کریم می‌خوانیم: «خداوند فردی را که متکبر و فخرفرش است، دوست نمی‌دارد... و آن‌ها کسانی هستند که اموال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کنند». (نسا، ۳۸-۳۶).

همشنینی با شیطان

همان‌طور که ریا و نفاق، ما را از خدا دور می‌کند، ما را همشنین شیطان قرار می‌دهد. در قرآن کریم در این‌باره آمده است: «و آن‌ها کسانی هستند که اموال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کنند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند(چراکه شیطان، رفیق و همشنین آن‌هاست) و هرکه شیطان قرین او باشد، بدهمشنین و قرینی است». (نسا، ۲۸).

چگونه از ریا دوری کنیم؟

به یاد داشته باشید که هیچ عملی از انسان دور نیست و به همین دلیل، ما باید مراقب اعمال و رفتار خود باشیم و در اخلاص نیت خود بکوشیم. به عقیده کارشناسان، بعضی راه‌های درمان ریا عبارتند از:

متوجه باشیم که با این عمل از محبت خدا بی‌نصیب شده، گرفتار خشم و غضب الهی می‌شویم.

متوجه باشیم که باریا پاداش اخروی را از دست می‌دهیم و درمقابل، تحسین و پاداش مردم نصیبمان می‌شود که ناپایدار است و قیاس‌شدنی با پاداش پروردگار نیست. حتی اگر به پاداش دنیوی و تحسین مردم دلخوش هستیم، به خاطر داشته باشیم که مردم، فراموش کار هستند و همچنین در قدرشناسی، معمولاً ناسپاس و ناتوانند.

به خاطر داشته باشیم که این کار(ریاکاری)، ما را در